

عنوان مقاله:

جایگاه منطقه ای ایران پس از جنگ سرد

نویسنده: سحر کریمی

چکیده

پژوهش حاضر تحت عنوان «جایگاه منطقه ای ایران پس از جنگ سرد» می باشد که به بررسی جایگاه ایران در زمان بعد از جنگ سرد می پردازد. چرا که روند های جهانی به گونه ای پیش می رود که هیچ کشوری از جمله ایران نمی تواند از تأثیرات رشد منطقه گرایی غافل بماند. از این رو موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئو اکو نو میک از جمله متغیرهای مستقل جغرافیایی محسوب می شود که تأثیر چشمگیری بر روابط خارجی ایران دارد.

بر همین اساس از جمله متغیرهایی که می توان بر اساس آن جایگاه ایران را مشخص کرد که در پژوهش پیش رو به بررسی آن خواهیم پرداخت شامل مواردی چون: وضعیت جغرافیایی ایران، جغرافیای انسانی، فرهنگ سیاسی ایرانیان، موقعیت نظامی و بررسی موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران پس از جنگ سرد میباشد.

یافته ها حاکی از آن است که عصر جدید سامانه اقتصاد محور، بر مبنای ترتیبات سیاسی و با هدف کسب برتری های اقتصادی شریان های حیاتی اقتصادی و تمرکز ویژه ای، حداقل در حوزه جغرافیایی خاورمیانه، بر روی انرژی است. از این رو اهمیت و نقش کشورها وابسته به برتری های اقتصادی آن ها است که موقعیت جغرافیایی آن ها نیز در این میان بسیار حائز اهمیت است.

کلید واژه: ایران، جنگ سرد، ژئوپلیتیک.

مقدمه

روندهای جهانی به گونه ای پیش می رود که هیچ کشوری از جمله ایران نمی تواند از تأثیرات رشد منطقه گرایی غافل بماند. به خصوص که جایگاه جغرافیایی ایران در مجادلات «هارتلند اوراسیا» و به عنوان حلقه اتصال دو منبع غنی انرژی یعنی خلیج فارس و دریای خزر از ارزش بالایی در روند تعامل بین قدرت های جهانی برخوردار است. از این رو موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک از جمله متغیرهای مستقل جغرافیایی محسوب می شوند که تأثیر چشمگیر و معناداری بر سیاست و روابط خارجی ایران دارند و همین امر از ایران یک کشور بین المللی و یک بازیگر مهم در مناطق پیرامون خود ساخته است. به عبارت دیگر، جایگاه ایران به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن، یک مرکزیت ژئواستراتژیک برای منطقه و جهان است و ایران هرگز نمی تواند در نظام بین المللی و منطقه ای که در آن قرار گرفته است، یک کشور حاشیه ای باشد. ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی و ژئواکونومی از جمله متغیرهای جغرافیایی است که می توان بر اساس آن ها جایگاه ایران را مشخص کرد که در این مقاله مفصلاً به بررسی آنها پرداخته خواهد شد.

وضعیت جغرافیایی ایران

ایران سرزمینی است که با توجه به موقعیت جغرافیایی، شرایط طبیعی و ارزش های فرهنگی مهد تمدن آسیا و جهان می باشد و در طی تاریخ پرفراز و نشیب خود، رویدادهای عظیم و سترگی را پشت سر نهاده است. رنه گراسه، محقق فرانسوی در مورد موقعیت ایران معتقد است: «ایران چهارراه تاریخ است» گروهی دیگر از مستشرقین، ایران را پلی خوانده اند که شرق و غرب را به هم متصل می کند.

کشور جمهوری اسلامی ایران به لحاظ موقعیت در جنوب غربی آسیا و بخش وسیعی از فلات ایران را در بر می گیرد. سرزمین کنونی ایران بخش عمده ای از فلات ایران را تشکیل می دهد با بیش از نود درصد از مساحت در غرب این فلات واقع شده است. موقعیت خاص ایران که در مرکز ثقل یکی از بزرگترین شبکه ارتباطی جهان قرار گرفته و همچون پلی اروپا را به خاور دور و کشورهای آسیای مرکزی و ماوراء قفقاز را به جنوب وصل می کند، که این امر پیوسته تاثیر مستقیم در طول تاریخ کهن این سرزمین داشته است. موقعیت جغرافیایی را می توان به لحاظ موقعیت ریاضی و نسبی مورد مطالعه قرار داد.

به لحاظ موقعیت ریاضی ایران در نیمکره شمالی کره زمین در فاصله مدارهای ۲۵ درجه و ۳ دقیقه شمالی از جنوبی ترین نقطه ایران (در حدود ۸۵ کیلومتری چاه بهار) و مدار ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه شمالی (حدود ۸۰ کیلومتری ماکو)، از خط استوا (مدار مبدا) و بین نصف النهار ۴۴ درجه و ۵ دقیقه شرقی از غربی ترین نقطه ایران (حدود ۵۰ کیلومتری غرب باکو) نصف النهار ۶۳ درجه و ۱۸ دقیقه شرقی از شرقی ترین نقطه ایران (حدود ۱۵۰ کیلومتری جنوب شرقی سراوان) نسبت به نصف النهار مبدا گرینویچ قرار دارد و فضای آن بر اساس آخرین مطالعات ۱/۶۲۳/۷۷۹ کیلومتر مربع و در بعضی منابع ۱/۶۴۸/۰۰۰ کیلومتر برآورد می شود. و حدود یک سیصد و نهم کره زمین، یک نودم، خشکی های زمین و یک بیست و هفتم قاره آسیاست و در دسته بندی پاندر*، جزء کشورهای خیلی بزرگ محسوب می شود. وسعت زیاد احتمال تبدیل شدن به قدرت منطقه ای و جهانی را بالا می برد و به علاوه در امور دفاعی نقش دارد و معمولا هر مقدار کشور وسیع تر باشد منابع معدنی و طبیعی بیشتری دارد.

موقعیت نسبی ایران را می توان از دو جهت دوری یا نزدیکی به دریا و دیگری از جهت موقعیت این کشور در منطقه مورد مطالعه قرار دارد. در مورد اول تجربه نشان داده است، کشورهایی که مجاور آبهای آزاد و دریاهای آزاد باشند، بهتر می توانند استقلال سیاسی و اقتصادی خود را حفظ کنند « اگرچه از نظر نظامی همین دریاهای می توانند به عنوان مناطق تهدید و حضور نیروهای بیگانه باشند و آن کشور، ضرورت ایجاد نیروی دریایی برای دفاع از مرزهای آبی یا منافع ملی دریا را احساس می کند». جمهوری اسلامی ایران اگرچه از اقیانوس ها و دریاهای بزرگ فاصله دارد، ولی در دو سوی شمال و جنوب به دریا منتهی می شود. از طرف شمال ایران با دریاچه مازندران به عنوان بزرگ ترین دریاچه بسته جهان ارتباط دارد و از طریق این دریاچه، با روسیه و قزاقستان ارتباط دریایی و با جمهوری آذربایجان و ترکمنستان علاوه بر ارتباط زمینی، ارتباط دریایی پیدا کرده است. از طرف جنوب یعنی خلیج فارس و دریای عمان نیز ارتباط بین ایران و دنیای خارج امکان پذیر است و بیش از هشتاد و پنج درصد واردات و نود و پنج درصد صادرات ایران از طریق خلیج فارس و دریای عمان صورت می گیرد. ایران با ۷ کشور مرز خشکی و با کشورهای حاشیه جنوبی و کشورهای حاشیه دریای مازندران مرز دریایی دارد. کمتر کشوری در جهان با این تعداد از همسایگان مواجه است. تعداد زیاد همسایگان با توجه به سیاست خارجی متفاوت کشورها، احتمال تعارض بین آن ها را بالا می برد. ایران در دریای مازندران حدود ۶۵۷ کیلومتر، در

* پاندر، کشورهای جهان را از لحاظ وسعت در ۸ دسته قرار داده است که عبارتند از: ۱. کشورهای خیلی عظیم (بیش از ۶/۰۰۰/۰۰۰). ۲. کشورهای عظیم (۲/۵۰۰/۰۰۰ تا ۶/۰۰۰/۰۰۰). ۳. کشورهای خیلی بزرگ (۱/۲۵۰/۰۰۰ تا ۲/۵۰۰/۰۰۰). ۴. کشورهای بزرگ (۶۵۰/۰۰۰ تا ۱/۲۵۰/۰۰۰). ۵. کشورهای متوسط (۲۵۰/۰۰۰ تا ۶۵۰/۰۰۰). ۶. کشورهای کوچک (۱۲۵/۰۰۰ تا ۲۵۰/۰۰۰). ۷. کشورهای خیلی کوچک (۲۵/۰۰۰ تا ۱۲۵/۰۰۰). ۸. کشورهای ذره ای (کمتر از ۱۲۵/۰۰۰ کیلومتر مربع).

دریای عمان حدود ۷۸۴ کیلومتر و در خلیج فارس حدود ۱۲۵۹ کیلومتر مرز دریایی دارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که کشور ایران از مزایای اقتصادی با توجه به اینکه بهره گیری از دریا ارزان ترین وسیله حمل و نقل و تجارت است و نیز دریا حاوی مقادیر قابل توجهی از منابع معدنی و غذایی ارزشمند است و دفاعی آن بهره مند است. علاوه بر آن خزر و خلیج فارس دو منبع اقتصادی و تامین انرژی ممتاز در جهان محسوب می شوند.

جغرافیای انسانی

در حال حاضر، ایران دارای جمعیتی جوان و پویا است از آنجا که یکی از عوامل رشد و توسعه هر جامعه ای نیروی کار جوان می باشد، بنابراین جوان بودن جمعیت ایران یک امتیاز برای این کشور محسوب می شود که می تواند محرک اصلی توسعه و تولید در آن باشد. ایران با جمعیتی حدود ۷۶/۰۰۲/۵۱۷ میلیون نفر از جمله پرجمعیت ترین کشورهای دنیا بوده و رتبه ۲۱ را در این خصوص به خود اختصاص داده که پیش بینی می شود در ۳۰ سال آینده به مرتبه ۱۰ ارتقا یابد.

فرهنگ سیاسی ایرانیان

وحدت ملی هر جامعه ای قسمت اعظم نیروی خود را از تجربه های گذشته به دست می آورد که همه جمعیت در آن سهیم اند. به طور ایده آل، مردم باید احساس کنند که کشورشان وجود دارد. در همین راستا با توجه به تجربیات گذشته، در بین مردم رویکردهای خاصی نسبت به امور سیاسی شکل می گیرد که به آن فرهنگ سیاسی گفته می شود. فرهنگ سیاسی ایرانیان در چند محور قابل بررسی است:

۱- تا پیش از انقلاب اسلامی در ایران، فرهنگ تابعیت عنصر قالب در فرهنگ سیاسی ایرانیان بود. بدین معنا که ساختار قدرت رابطه ای آمرانه از بالا به پایین میان مردم و حکام تصور می شده و قداست از ویژگی های اصلی قدرت سیاسی به شمار می رفته است. فرهنگ سیاسی آمریت - تابعیت موجب ارادت سالاری می شود و در نتیجه، تحرک سیاسی کاملاً کاهش می یابد. در این نگرش، مردم خود را اتباع حاکم تلقی می کنند و برای خود حقی در اظهار نظر نسبت به نظام سیاسی قائل نیستند. بعد از انقلاب اسلامی در ایران، الگوی فرهنگ سیاسی تابعیت، دستخوش دگرگونی شده و به صورت فرهنگ سیاسی تبعی - مشارکتی در آمده است. در این نوع نگرش، افراد نسبت به کلیه اهداف سیاسی حساس اند و می توانند رفتار نخبگان را در مورد تصمیمات و سیاست ها تحت تاثیر قرار دهد. وجه مشارکتی در فرهنگ سیاسی ایرانیان، عمدتاً به شکل بسیج اجتماعی ظاهر شده که براندازی حکومت سلطنتی و بعد از آن در جنگ ایران و عراق به طور موثری عمل نمود.

۲- از دیگر عناصر می توان به توهم توطئه اشاره نمود. توهم توطئه در میان همه ملل کم و بیش دیده می شود، اما نوع و میزان گستره آن متفاوت است. توهم توطئه در خاورمیانه بیش از مناطق دیگر جهان رواج دارد و در ایران بیش از کشورهای دیگر خاورمیانه. عوامل مؤثر در جذابیت توهم توطئه در فکر ایرانی را می توان در عوامل سیاسی، فرهنگی و روانی - اجتماعی بررسی کرد و ریشه اساسی توهم توطئه را باید در عوامل سیاسی جست. مداخلات استعماری و تهاجمات قدرت های بیگانه در ایران نوعی سوءظن و بدبینی نسبت به بیگانگان را در اذهان مردم ایران پدید آورده و بدین ترتیب، زمینه پیدایش تفکر توطئه در مردم این کشور شکل گرفته است. در این نوع نگرش، هیچ رویدادی در صحنه ی بین المللی غیرمترقبه و تصادفی نیست و اهرم اکثر وقایع عمده ی سیاسی و سیر حوادث تاریخی، در دستان پنهان و قدرتمند سیاست بیگانه است و اراده ی دشمنان، موتور محرک آن ها تلقی می شود. این ذهنیت به قدری در فرهنگ ایران ریشه دارد که در سال ۱۳۳۱ هنگامی که مسأله اختلافات بین ایران و انگلیس در مورد نفت به دادگاه لاهه ارجاع داده شد و قاضی انگلیسی به نفع ایران رأی داد، گفتند «کارخودشان است، توطئه ای در کار است و همه این ها از همان ابتدای کار نقشه بوده است». این تفکر، در کنار آسیب هایی که در تهاجمات بیگانگان به ایران و مردم آن وارد آمد، به همراه اندیشه های اسلامی که به شدت حاکمیت غیرمسلمین را بر مسلمین نفی می کند، همچنین باعث تقویت روحیه بیگانه ستیزی مردم ایران گردید.

۳- ایرانیان به عنوان حاملان سربلند فرهنگ باستانی، در خود احساس عمیقی از برتری نسبت به دیگران می کنند. متمایز بودن نژاد و فرهنگ ایرانی نه تنها برای بیگانگان، بلکه برای خود ایرانیان، یک واقعیت پذیرفته شده است. نگاه ایران به جهان عمیقاً «ایران مدار» است و آن چنان تعصبی در این دیدگاه وجود دارد که برای بیگانگان قابل درک نیست. همین نوع نگاه را در ارتباط میان ایرانیان و اعراب قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران می توان ملاحظه نمود.

۴- با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می توان به تأثیر فرهنگ شیعی پی برد. می توان گفت قسمت اعظمی از رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در یک بستر ایدئولوژیک قرار گرفته است. حتی زمانی که ایران دچار تناقض در رفتار خود با کشورهای دیگر گردید، دکترین های سیاست خارجی مانند: نظریه عاشورایی که معتقد به اولویت امنیت امت اسلامی بر امنیت ملی بود و نظریه ام القرایی که حفظ نظام اسلامی (امنیت ملی) و تأمین منافع ملی را واجب می دانست، شکل گرفت. این نظریات، دو قرائت متفاوت در سیاست خارجی است که هر دو بر مبنای اندیشه ها و ارزش های دینی استوار بوده و فرهنگ سیاسی ایرانیان را از خود متأثر ساخته اند.

ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

ایران با جمعیتی ۷۶/۰۰۲/۵۱۷ میلیون نفر، اکنون در حال آماده سازی زیربنای فنی و علمی لازم و توسعه نیروی انسانی متخصص و کارآمد در جهت توسعه بیشتر و همچنین جذب در اقتصاد جهانی است. اقتصاد ایران که در حال گذر از اقتصاد نیمه سنتی به مدرن می باشد، وارث اقتصاد بیمار دوران پیش از انقلاب اسلامی ایران است که به رغم درآمد های سرشار نفت، به خصوص در دهه ۶۰ میلادی، سرمایه گذاری های لازم در بخش های زیر بنایی ایران صورت نگرفت و بیشتر سرمایه های حاصل از درآمد نفت در قالب خرید تسلیحات نظامی از غرب صرف گردید. پس از انقلاب اسلامی در ایران، وضعیت اقتصادی در ایران در دو مقطع متحول شد. در ابتدای انقلاب، اقتصاد ایران بیشتر دولت محور و بر مبنای در آمد نفتی بود و به دلیل وقوع جنگ تحمیلی، در خدمت جنگ قرار داشت. پس از جنگ و با روی کار آمدن دولت آقای هاشمی رفسنجانی، سیاست های تعدیل اقتصادی در قالب برنامه های توسعه پنج ساله با هدف خصوصی سازی، تنوع تولید و افزایش صادرات غیر نفتی و خارج کردن انحصار دولت از صنایع و بخش های خدماتی به تدریج به اجرا گذاشته شد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ برنامه ها و راهکارهای اصولی، با هدف استحکام بنیه اقتصادی دولت و همچنین ایجاد بسترهای لازم برای جذب سرمایه های خارجی، اقدامات مختلفی را به مرحله اجرا گذاشته که از جمله آن ها افزایش حمایت ها و تشویق های موجود در قالب جلب و حمایت از سرمایه گذاری خارجی می باشد که با هدف تثبیت امر سرمایه گذاری و حمایت از آن صورت گرفته است. همچنین با ایجاد صندوق ذخیره ارزی، تلاش برای کاهش اتکای اقتصاد ایران به صادرات تک محصولی نفت و به موازات آن، برنامه ریزی برای افزایش صدور کالاهای غیر نفتی، توانایی بیشتری به اقتصاد کشور بخشیده است. با این حال اقتصاد ایران با وجود تزریق میلیاردها ریال پول نفت در سال های اخیر، نه تنها رشد بالایی ندارد، بلکه نشانه های قوی رکورد را نشان می دهد. در حالی که یارانه های گسترده مشکلات متعددی را برای اقتصاد ایران ایجاد می نمود، هدفمند کردن یارانه ها یا حذف آن ها یکی از بزرگترین جراحی های اقتصاد ایران به حساب می آید.

بر اساس برآوردهای صندوق بین المللی پول، در چشم انداز ۲۰۱۴ اقتصاد ایران تولید ناخالص خود را به ۴۷۷ میلیارد دلار خواهد رساند و این رقم در رتبه بندی بین ۱۴ کشور محدوده خاورمیانه بعد از عربستان نشان دهنده بزرگ ترین اقتصاد منطقه است ولی اگر به متوسط نرخ رشد این شاخص نگاهی داشته باشیم، متوجه می شویم ایران به رغم اینکه صاحب دومین اقتصاد بزرگ منطقه است ولی از نظر رشد اقتصاد پایین ترین رتبه را به خود اختصاص داده و در واقع چشم انداز اقتصاد ایران در این دوره نمایانگر کم تحرک ترین اقتصاد منطقه است. از نظر نرخ تورم نیز متوسط نرخ تورم ایران در سال ۲۰۰۹، ۱۲/۶۷ درصد برآورد شده است که نسبت به کشورهای منطقه از نرخ بالایی برخوردار بوده است.

کشور ایران از نظر مواد کانی و معدنی، ذخایر غنی فراوان دارد، که در خصوص برخی مواد مانند زغال سنگ و مس، جزء مهمترین کشورهای جهان است. ایران مقادیر قابل ذکری سنگ آهن (در یزد، کرمان و خراسان)، مس (در سرچشمه و چهارگنبد)، طلا (در حومه محلات)، اورانیوم (در یزد)، سرب و روی (در حاشیه کویر لوت، البرز و محور اراک، اصفهان، یزد) و فلزات دیگری مانند منگنز، نیکل، کبالت، آلومینیوم و ... در بخش مرکزی دارد. منابع مس ایران آنقدر غنی است که گفته می شود در صورت برنامه ریزی و بهره برداری کامل حتی می تواند جایگزین صادرات نفت در کشور ایران گردد. این منابع در ردیف دو ذخیره بزرگ دیگر مس در دنیاست. که شامل بیش از ۶ درصد ذخیره سنگ مس جهان است. مهمترین معادن دیگر عبارتند از سرب، کاتولن و خاک نسوز، کرومیت، سیلیس، فسفات، نمک، منگنز، منیزیت، گل سفید، خاک سرخ و

برای تعیین جایگاه ایران به جاست به منابع فسیلی این کشور نیز اشاره شود چرا که با فروپاشی شوروی تغییرات عمده ای در مفهوم ژئوپلیتیک روی داد به گونه ای که ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئواکونومیک یافت و به نظر می رسد سیاست که عامل مهمی در ژئوپلیتیک بود، جای خود را به اقتصاد واگذار کرده است. بنابراین می توان گفت در قرن بیست و یکم مناطقی که دارای انرژی یا محل عبور آن هستند مورد توجه قرار می گیرند چرا که در حال حاضر «انرژی، متغیری تأثیرگذار در تدوین استراتژی ها به حساب می آید». در تعیین مناطق ژئواکونومی که انطباق کاملی هم با قلمروهای ژئواستراتژیکی قرن بیست و یک دارد، باز هم خاورمیانه همان نقش منطقه ژئواستراتژیک حساس جهان را به خود اختصاص داده و ایران نیز در مرکز این منطقه واقع است. در واقع می توان گفت که نظام جهانی در تجربه ای جدید به دوران جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد یا اقتصادی شدن نظام جهانی وارد شده است که در این میان سوخت های فسیلی به ویژه نفت و گاز اهمیت فراوانی یافته اند. بنابراین میزان ذخیره تولید نفت و گاز می تواند کمک مهمی در تعیین جایگاه یک کشور باشد.

ایران به عنوان مهم ترین کشور خلیج فارس و به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم انرژی منطقه ای شناخته می شود. بنابراین می توان چنین استدلال نمود که ایران علاوه بر اعتبار ژئوپلیتیکی دارای ارزش و قابلیت های منحصر به فردی در زمینه ژئواکونومی نیز می باشد. از جمله این قابلیت ها می توان به قرارگیری ایران در کنار خلیج فارس، که هارتلند انرژی جهان به شمار می رود اشاره نمود. همچنین نیاز روزافزون کشورهای در حال توسعه شرقی آسیا به ایران به عنوان تنها کشوری که با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و همچنین منابع انرژی فراوانش توانایی پاسخگویی به نیاز این کشورها را دارد، بر اهمیت ایران در زمینه انرژی افزوده است.

با توجه به توضیحاتی که داده شد و تغییر استراتژی های نظامی قرن بیستم به استراتژی های اقتصادی، می توان گفت که در قرن بیست و یکم قدرت جهانی را کشوری خواهد داشت که بتواند بر خطوط انرژی به ویژه نفت و گاز تسلط داشته باشد. این تفکر استراتژیکی قبل از هر چیز کنترل بر منطقه نسبتاً محدودی را ایجاب می کند که تقریباً از کانال سوئز شروع شده و تا گذرگاه استراتژیک مالاگا ادامه پیدا می کند. این قلمرو استراتژیک جدید شامل سرزمین هایی است که سه منطقه جغرافیایی را در بر می گیرد که عبارتند از: جنوب غربی آسیا، جنوب آسیا، جنوب شرق و شرق آسیا. در این مثلث استراتژیک جدید ایران نقش حیاتی دارد، زیرا تنها کشوری است که امکانات ویژه ای در جهت انتقال انرژی از آسیای میانه به دریای عمان و خلیج فارس را دارد. ایران به لحاظ داشتن منابع انرژی نفت و گاز در شرایط بسیار مطلوبی به سر می برد. نفت اهمیت استراتژیک و حیاتی خود را در بخش نظامی و دوران جنگ سرد به دست آورد. خاورمیانه به واسطه دارا بودن عظیم ترین ذخایر نفتی در جهان به عنوان مرکز ثقل این مجموعه مطرح می باشد. از آن جایی که تمرکز اغلب انرژی خاورمیانه در منطقه خلیج فارس می باشد، جزایر موجود در آن را واجد شرایط ویژه ای ساخته است و ایران با در اختیار داشتن سه جزیره استراتژیک ابوموسی، تنب بزرگ، تنب کوچک جایگاه ممتازی را به دست آورده است.

از مشکلات ایران در صادرات نفتش، مسأله تحریم های آمریکا علیه این کشور است. دولت کلینتون در سال ۱۹۹۵ یک سری تحریم هایی را علیه ایران وضع کرد. از جمله اینکه هیچ شرکتی حق ندارد بیش از ۴۰ میلیون دلار در ایران سرمایه گذاری کند که تاکنون این قانون چندین بار تمدید شده است. یکی دیگر از مشکلات ایران در معادن نفتی اش افزایش چشمگیر تقاضای داخلی نفت

در سال های اخیر و افت قابل ملاحظه ی تولید به دلیل شروع نیمه ی دوم عمر مخازن نفتی اش است و همین مسئله باعث گردیده تا برخی از تحلیل گران و متخصصان به این جمع بندی برسند که صادرات نفت خام ایران و به تبع آن سهم ایران از صادرات کل کشور های اوپک در سال های پیش رو به تدریج کاهش یابد. و این در حالی است که در بر آوردی اعلام شد است که در صورت اتخاذ سیاست های مناسب در مدیریت مخازن نفت از سوی ایران از سال ۲۰۲۰ به بعد ایران بالا ترین منابع نفت جهان را در اختیار خواهد داشت.

همچنین ایران به عنوان یکی از اعضای مهم و بنیان گذار در سازمان همکاری اوپک و اکو به مثابه پلی میان دو حوزه نفتی مهم در جهان (دریای خزر و خلیج فارس) قرار دارد و نقش مهمی در ثبات قیمت نفت خام در بازارهای جهانی و در نتیجه افزایش درآمد ارزی کشور های تولید کننده و صادر کننده نفت و گاز خزر و اوپک ایفا می کند. دریای خزر از جمله مناطقی است که ظرفیت تولید نفت ایران را افزایش می دهد، اما مشکل اصلی که در مورد بهره برداری از منابع منطقه وجود دارد عدم توافق کشور های ساحلی این دریا در مورد رژیم حقوقی دریای خزر می باشد.

روند مصرف انرژی در سطح جهان نشان می دهد کشورها در حال جایگزین کردن بخشی از انرژی مورد نیاز خود از طریق گاز هستند. در این میان ایران با در اختیار داشتن دومین ذخایر بزرگ گاز جهان پس از روسیه و همسایگی با دو حوزه مهم مصرف کننده گاز یعنی هند و چین در شرق و اروپا در غرب، آنچنان جایگاهی در اختیار دارد که با تلاش های بی وقفه ایالات متحده در جلوگیری از گسترش مبادلات انرژی ایران و کارشکنی های متعدد این کشور در فرآیند مذاکرات صادرات گاز ایران به کشورهای مختلف از جمله هند و اروپا نیز نتوانسته است از شدت علاقه مندی و نیاز خریداران گاز به عقد قراردادهای گازی با ایران بکاهد. ایران مستعدترین کشور منطقه برای صادرات گاز به اروپا قلمداد می شود زیرا فارغ از ذخایر عظیم به لحاظ موقعیت استراتژیکی نیز از فرصت مناسبی بدین سبب بهره مند است. بر اساس پیش بینی های صورت گرفته حجم صادرات گاز ایران به اروپا در سال ۲۰۰۰ صفر، در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۰ میلیارد متر مکعب و این میزان برای سال ۲۰۲۰ به میزان ۳۰ میلیارد متر مکعب برآورد شده است. بنابراین می توان ادعا کرد که انرژی یکی از حلقه های پیوند ایران با جهان خارج است و بر همین اساس است که سند چشم انداز بیست ساله ایران، جهت گیری این کشور را در دو دهه آینده در مسیر توسعه برون گرا و مبتنی بر تعامل سازنده با جهان معین کرده است که انرژی و امنیت آن می تواند یکی از مهم ترین محل های پیوند ایران با قدرت ها و کشورهای در حال توسعه به ویژه در آسیا و اروپا تبدیل شود.

ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران

حکومت ایران از نوع جمهوری اسلامی است که ملت ایران در پی انقلاب اسلامی خود به رهبری امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸، با اکثریت ۹۸/۲ درصد کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت دادند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در آذر ماه همان سال تدوین و تصویب شد، ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران مشخص گردید که در آن، مقام رهبری به عنوان ولی فقیه بالاترین مقام را به عهده دارد. طبق قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، ریاست جمهوری مقامی با قدرت اجرایی کمتر و نخست وزیر به عنوان رئیس دولت بالاترین مقام اجرایی را بر عهده داشت و در مقابل مجلس پاسخگو بود. اما ترکیب ساختار سیاسی ایران با اصلاحاتی که در قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ صورت گرفت تا حدودی تغییر یافت و با حذف پست نخست وزیری عملاً قدرت اجرایی کشور در اختیار رئیس جمهور قرار گرفت. گفتنی است طبق اصل ششم قانون اساسی مصوب سال ۱۳۵۸، که در سال ۱۳۶۸ مورد اصلاح قرار گرفت، در جمهوری اسلامی ایران امور کشور به اتکای آرای عمومی اداره می شود و تمامی ارکان و مقامات کشور، از رهبر کشور تا نمایندگان مجلس و شوراها، با آرای مستقیم و غیر مستقیم مردم انتخاب خواهند شد.

توانمندی های نظامی ایران

مجموع نیروهای مسلح فعال ایران، در حدود ۶۶۲/۰۰۰ نفر می باشد. ارتش جمهوری اسلامی ایران شامل نیروهای زمینی، هوایی و دریایی است که مجموعاً چهار مقررماندهی دارد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با ۲۱۵ هزار نفر نیرو شامل ۵ نیروی مقاومت بسیج، هوایی، دریایی، زمینی و قدس است. همچنین در خصوص استقرار پایگاه های نظامی خارجی در ایران باید گفت: طبق اصل ۱۴۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استقرار هرگونه پایگاه نظامی خارجی در ایران، هر چند به عنوان استفاده های صلح آمیز، ممنوع است.

در مورد توانایی های نظامی ایران منابع داخلی و خارجی بسیاری اظهار نظر کرده اند. «آنتونی کوردزمن، تحلیل گر مرکز مطالعات راهبردی و بین المللی واشنگتن، دریکی از تحقیقات خود با بررسی توانایی های ایران برای دفاع از خود، نتیجه می گیرد که ایران دارای قدرتمندترین نیروی نظامی در منطقه خلیج فارس است». آنچه در مورد توان دفاعی ایران قابل توجه است، بومی بودن صنایع دفاعی ایران است. سلاح های پیشرفته ایران عمدتاً به دست متخصصان ایرانی ساخته می شود، زیرا ایران در سه دهه اخیر تحت تحریم تسلیحاتی شدید قرار داشته است. در حقیقت مسئولین ایران از تحریم غرب، برای بومی کردن صنایع نظامی و قطع وابستگی به اروپا و امریکا، به خوبی استفاده کرده اند. به عبارت دیگر می توان گفت ایران از گذشته درس آموخته که وابسته به کشورهای صادرکننده سلاح نباشد. به ویژه اینکه سلاح خارجی دائماً وابسته به چانه زنی ها و پرداخت پول بیشتر است. به همین دلیل ایران تصمیم گرفت در این زمینه به خود تکیه کند و صنعت نظامی خود را پیشرفته کند. یکی از نقاط قوت نیروی نظامی ایران توان موشکی آن است. صنایع موشکی ایران از اوایل جنگ تحمیلی صدام علیه ایران، شکل گرفت و حاصل آن، موشک های متنوع و پیشرفته ای است که جهانیان را به اعجاب وا داشته است.

در رابطه با نیروی هوایی نیز صاحب نظران معتقدند ایران به جز هواپیماهای پیشرفته و خلبانان ماهر و با تجربه، سیستم پدافند هوایی مجهزی در اختیار دارد که علاوه بر موشک های دفاع هوایی میثاق ۲۰۱ که قادر به سرنگون کردن جنگنده های مدرن و مقابله با بمب های هوشمند آن ها هستند، دارای جنگنده های صاعقه و آدرخش که ۲ نسل از جنگنده های ساخت ایران هستند، ۲۸۶ هواپیمای جنگنده، ۱۳۶ جنگنده ترابری، ۶ هواپیمای شناسایی و ۳ جنگ افزار الکترونیکی و هواپیمای جاسوسی و همچنین در حال حاضر شرکت «پنها» هم هلیکوپترهای «شباویز» و «۲۰۹۱» و هلیکوپترهای «شاهد» را تولید می کند و هم تعمیرات اساسی را انجام می دهد. در طراحی هواپیماهای بدون سرنشین پیشرفته، صنایع هوایی ایران موفق شده است هواپیماهای «بابیل»، «مهاجر ۱ و ۲ و ۳ و ۴»، «هدهد» و «صاعقه ۱ و ۲» را تولید کند. از دیگر تولیدات، ساخت شیشه و لاستیک هواپیما است که ایران را در زمره ۸ کشور تولید کننده آن قرار می دهد. همچنین ایران تنها کشوری در خاورمیانه است که قابلیت تعمیر هواپیما و بالگردهای تجاری و نظامی را داراست.

در مورد نیروی دریایی ایران نیز، قدرت دفاعی ایران گسترده و قابل توجه است. موشک های پیشرفته ساحل به دریا و دریا به دریا که در مانورهای پیامبر اعظم از آن ها استفاده شد، تعجب محافل نظامی را برانگیخت. علاوه بر این ایران دارای ناوگانی مجهز در خلیج فارس و دریای عمان است. ایران حدود ۱۴۰ گارد ساحلی و قایق گشت زنی، شامل ۱۱ قایق گشت زنی موشکی کمان کلاس ساخت فرانسه با ۲ تا ۴ موشک ضد ناو را دارد. ایران در رزمایش پیامبر اعظم ۲ موشک فاتح ۱۱۰، تندر ۶۹، کوثر و نور را که موشک هایی از نوع برد کوتاه و ضد کشتی هستند را آزمایش کرد. با توجه به باریکی آبراه خلیج فارس به خصوص در تنگه هرمز که ۳۴ کیلومتر بیشتر نیست، موشک های نور و کوثر قادر به رسیدن به هر هدفی در هر نقطه از آب های خلیج فارس خواهند بود. ایران همچنین ۲۰ هزار نیروی دریایی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دارد که ۵۰۰۰ نفر از این نیروها تفنگدار دریایی هستند. سپاه همچنین ۱۰ قایق کشتی مجهز به موشک هودونگ با قابلیت حمل کلاهد ۱۶۵ کیلوگرمی و سیستم هدایت با برد ۱۲۰ کیلومتر دارد. ایران همچنین موشک های ضد موشک زمین پایه متحرک دارد که می توانند به سرعت در سواحل ایران یا جزایر نزدیک به دهانه تنگه هرمز مستقر شود. سپاه تعداد زیادی قایق های گشت زنی بوقامر مجهز به پرتاب گره های موشک، موشک های زمین به هوا و موشک های هدایت شونده ضد زره دارد ایران در این بخش استراتژی قایق های تندرو را دنبال کرده است. شناورهای موشک انداز

طراحی شده، موجب تحولی چشمگیر در این بخش شده است. از دیگر توانایی های ایران در خلیج فارس، توانایی بستن تنگه هرمز که روزانه ۱۵ میلیون بشکه نفت از آن عبور می کند است. چنانچه ایران این تنگه را ببندد، اقتصاد کشورهای عربی فلج می شود و اقتصاد جهان نیز از این اقدام به شدت آسیب خواهد دید. شایان ذکر است که بودجه دفاعی ایران ۶۹ تریلیون ریال اعلام شده است. استراتژی نظامی ایران مبتنی بر بازدارندگی دفاعی همه جانبه است. منظور از بازدارندگی همه جانبه هم بازدارندگی متقارن است هم بازدارندگی غیر متقارن. دلیل اینکه جمهوری اسلامی ایران این نوع استراتژی را انتخاب کرده است این است که نوع تهدیداتی که جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامون خودش و در سطح بین المللی با آن ها مواجه است از هر دو جنس است. یعنی بخشی از این تهدیدات، تهدیدات سنتی متقارن است نظیر تهدیداتی که از جانب اسرائیل یا امریکا وجود دارد و بخشی دیگر از این تهدیدات، تهدیدات نامتقارن است نظیر نفوذ گروه های تروریستی به مرزهای ایران و حمایت بعضی کشورها از این گروه ها یا انجام برخی اقدامات دیگر که می تواند شکل یک نوع جنگ نامتقارن به خود بگیرد. بر این اساس استراتژی نظامی ایران بر مبنای بازدارندگی دفاعی همه جانبه شکل گرفته است. منظور از دفاعی در این استراتژی این است که همان طور که ایران بارها اعلام کرده است جمهوری اسلامی قصد تهاجم به هیچ کشوری را ندارد و عمده تسلیحاتی که ایران توانسته آن ها را طراحی و آزمایش کند و بسازد خصلت تدافعی دارد و نه تهاجمی.

قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

ایران به دلیل برخورداری از یک رشته ویژگی های طبیعی ژئوپلیتیک از یک سو و ساخت فرهنگی، مذهبی و تاریخی قدرت و سیاست از سوی دیگر، به عنوان مهم ترین کشور تأثیرگذار بر مسائل خاورمیانه حائز اهمیت است. جمهوری اسلامی ایران گرچه از حیث قدرت سخت افزاری در جایگاه پایین تری نسبت به ابرقدرت ها قرار دارد، اما شواهد عینی نشان می دهد که موقعیت فرهنگی و معنوی و به اصطلاح قدرت نرم ایران در منطقه رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قدرت فرهنگی مؤثر در منطقه است. ایران زمینه ها و شرایط لازم برای کسب قدرت معنوی و ارتقای نصاب محبوبیت خود در میان کشورهای منطقه را فراهم ساخته است. دیپلماسی فعال ایران در چند سال اخیر به اتخاذ، احیا و تثبیت سیاست های خاصی دامن زده است که در مجموع، می تواند تصویرسازی مثبت از آن در افکار عمومی بین المللی و منطقه ای و زدودن برخی ابهامات، و در یک کلام هژمونی فرهنگی، کمک شایانی کند.

نمونه ای از قدرت نفوذ نرم ایران را می توان در عراق پس از اشغال این کشور دید. در سال های پس از اشغال عراق سیاست جمهوری اسلامی ایران بر پایه مؤلفه های نرم افزاری قدرت قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در چند سال گذشته تلاش کرده است با استفاده از منابع و مؤلفه های قدرت نرم بر تحولات کشور همسایه اش اثرگذار باشد. این سیاست سعی دارد با کم رنگ کردن واقعیت های ژئوپلیتیکی و با برجسته ساختن اشتراکات تاریخی، دوکشور را به مثابه یک حوزه تمدنی تلقی کند. در واقع، ایران از این طریق درصدد برآمده تا از مؤلفه های قدرت نرم برای اثرگذاری بر تحولات عراق به طور اخص و معادلات منطقه به طور اعم استفاده کند. به عنوان نمونه می توان اشاره نمود که اکثر شیعیان عراق پیوندهای عمیق با ایران دارند به گونه ای که ایجاد فضای باز سیاسی و برگزاری انتخابات برای تشکیل دولت عراق موجب شد که با وجود تبلیغات و تلاش های آمریکا، شیعیان طرفدار ایران در این کشور به قدرت برسند. یکی از مهم ترین دلایل نفوذ ایران، قرابت های قومی و فرقه ای میان شیعیان عراق و ایران و ارتباط قومی کردهای دو کشور است. در این رابطه باید توجه داشت که در دوران رژیم بعث، ایران میزبان مخالفان و تبعیدیان عراق بود که اکنون حاکمان این کشور هستند.

از مؤلفه های راهبرد قدرت نرم ایران در خاورمیانه می توان به اسلام، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش های مردم سالارانه، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و مواردی از این دست، اشاره نمود. جمهوری اسلامی ایران با داشتن بیش از هفتاد و پنج میلیون نفر مسلمان (۹۸ درصد) که از این میزان، ۸۹ درصد شیعه و ۹ درصد سنی می باشند، یکی از کشورهای بزرگ، پرجمعیت و

وقوع حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، و تأکید امریکا به مبارزه همه جانبه با تروریسم که به ادعای آن ها منشاء و ریشه آن در منطقه خاورمیانه قرار دارد، باعث گردید حضور امریکا که تا قبل از این حوادث در منطقه قفقاز توجیه منطقی نداشت، جنبه عینی و عملی به خود گیرد. و این در حالی است که مختصات جغرافیایی ایران به گونه ای ترسیم شده است که هرگونه سیستم و طرح امنیتی را بدون در نظر گرفتن جایگاه ممتاز ایران با شکست مواجه کرد. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران شرایط مناسبی را برای توسعه فعالیت های اقتصادی در چارچوب همکاری های منطقه ای ایجاد می کند. به طور کلی اهمیت ژئوپلیتیک ایران به علت قرار داشتن و یا قرارگیری ایران در معبر ارتباطی قاره اروپا، آسیا، افریقا و از آن مهم تر وجود منابع عظیم نفتی در منطقه خلیج فارس است.

اهمیت مرزهای جنوبی ایران نیز قابل توجه است. سرزمین ایران و به ویژه تنگه هرمز و خلیج فارس به دلیل دارا بودن ارزش های خاص اقتصادی و سیاسی از دیرباز صحنه ی حضور بیگانگان و مورد توجه و علاقه ی جهانیان بوده است. که بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد نیز از اهمیت ژئوپلیتیک ایران کاسته نشده است. و همچنین اهمیت روزافزون ایران سبب گردیده است تا ایالات متحده سعی در محاصره ایران داشته باشد. ایران با داشتن بیش از یکصد میلیارد بشکه ذخایر نفتی، جزء چهار کشور اول جهان است و با ۸۰۰ تریلیون فوت مکعب ذخیره گاز طبیعی شناخته شده، پس از روسیه مقام دوم را دارد. سهم ایران از ذخایر شناخته شده گاز طبیعی در خاورمیانه ۵۸ درصد است و ۱۵ درصد منابع گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. ارزش ایران از دید ژئوپلیتیک برابر با همه کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است و این واقعیتی ژئواستراتژیک تلقی می شود.

ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل مناسب عملیاتی و شمار زیادی جزایر راهبردی در اختیار دارد. هر نگاه کنجکاوانه ای به نقشه منطقه به وضوح مرکزیت ژئوپلیتیکی ایران را در جهت کنترل منابع نفت و گاز یعنی، مهم ترین و راهبردی ترین ماده خام مورد نیاز غرب صنعتی، در منطقه آسیای غربی را تشخیص خواهد داد. ایران بین دو حوزه دارنده انرژی در شمال و جنوب خود واقع شده که اهمیت ایران را بیشتر می نماید.

فروریختن نظام جهانی دو قطبی و از میان رفتن موازنه ژئوپلیتیک جهانی، ایالات متحده آمریکا را تشویق کرد تا در راه چیره شدن بر جهان سیاسی تلاش کند. تلاشی که این قدرت را در منطقه استراتژیک خاورمیانه با ایران به لحاظ اهمیت و موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک این کشور رو در رو ساخته است که حاصل این رودرروی تصمیماتی بوده در زمینه محاصره اقتصادی - استراتژیک و چالش های گسترده سیاسی و تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران، چنان که علاوه بر تحریم اقتصادی، از طرف شمال با ایجاد بحران در دریای خزر، قفقاز و آسیای مرکزی، مانع عبور لوله های نفتی و گازی منطقه از ایران شد که این امر خسارت های فراوانی بر منافع ملی ایران وارد کرده است. از سوی جنوب، روابط ایران با همسایگانش فاقد اعتماد لازم شد، عراق به ایران حمله کرد و امارات متحده عربی مالکیت بر جزایر ایرانی تنب و ابوموسی را ادعا کرد. از سوی خاور نیز در پاکستان شیعه کشی رونق گرفت. در ادامه به طور جداگانه به اهمیت و موقعیت استراتژیک خلیج فارس و دریای خزر پرداخته خواهد شد.

دریای خزر بزرگ ترین دریاچه جهان در مرز بین آسیا و اروپا در محل تلاقی آسیای مرکزی، قفقاز و ایران واقع شده است. اهمیت اقتصادی دریای خزر از نظر تولید ماهیان خاویاری و ذخایر نفت جهان بعد از سیبری و خلیج فارس می باشد. فروپاشی شوروی و تضعیف قدرت مرکزی و تشکیل کشورهای مستقل اگرچه به جنگ سرد پایان داد لکن رقابت شدیدی را بین کشورهای منطقه و کمپانی های نفتی غربی به وجود آورد. در حال حاضر بیش از دو سوم از شرکت های غربی که در منطقه دریای خزر هستند امریکایی می باشند و یا شرکت هایی هستند که انتظار حمایت از سوی ایالت متحده را دارند (از آن جمله شرکت های اسرائیلی). جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل ذینفع بودن در منطقه و تضاد سیاسی با ایالات متحده آمریکا در تلاش است تا به هر ترتیب خود را به نحوی در عملیات بهره برداری و منافع نفتی منطقه دخالت دهد. ذخایر ثابت شده نفت ایران شامل ۱۵ میلیارد بشکه نفت و ۳۰۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی است. همچنین ایران به لحاظ انتقال نفت دریای خزر به بازارهای جهان نیز دارای اهمیت

است. چرا که نسبت به انتقال از طریق دریای مدیترانه که بسیار پرهزینه است و مسیر ناامن قفقاز، امن ترین و کوتاه ترین و در عین حال ارزان ترین راه است.

ایران به سبب دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان و از سوی دیگر به واسطه در اختیار داشتن تنگه هرمز به ترتیب دارای موقعیت بحری و استراتژیک می باشد. به دلیل داشتن این موقعیت مناسب است که در قرون گذشته کشور ایران همواره مورد تعرض همسایه شمالی خود و یا انگلستان (با توجه مستعمره خود هندوستان) بخش های جنوبی ایران را مورد تهاجم قرار می دادند. در خصوص خلیج فارس باید گفت که موقعیت خلیج فارس آن را به صورت محور ارتباط بین اروپا و آفریقا از یک طرف و آسیای جنوبی و جنوب شرقی از سوی دیگر درآورده است و در مقام بخشی از سیستم حمل و نقل دریایی بین اقیانوس های هند، کبیر و اطلس عمل می کند. از سوی دیگر ایران در خلیج فارس با توجه به در اختیار داشتن ۲۰۰۰ کیلومتر مرز آبی می تواند رزمایش ها و طرح های نظامی را برنامه ریزی نماید.

مسئله دیگر وجود عمق زیاد در سواحل ایران است که قابلیت کشتیرانی بالایی دارد. جزایر خلیج فارس نیز اهمیت استراتژیکی دارند. بیشترین و مهم ترین جزایر منطقه متعلق به ایران است. هفده جزیره تحت حاکمیت ایران از شمال خلیج فارس تا دهانه تنگه هرمز گسترش یافته اند. جزیره ی فارسی در عمق آب های ایران و روبروی عربستان، اهمیت نظامی فوق العاده ای دارد. همچنین جزایر لارک، هنگام، قشم، تنب بزرگ و کوچک، ابوموسی و سیری از نظر کنترل تنگه هرمز و شرق خلیج فارس اهمیت نظامی مهمی دارند. جزیره تنب بزرگ در هفده مایلی جنوب شرقی قشم در شمال خط منصف خلیج فارس قرار دارد و از دروازه ورودی خلیج فارس دور می باشد و ارزش استراتژیک آن به این دلیل است که بخشی از خط دفاعی ایران در مقابل تنگه هرمز می باشد. تنب کوچک هم جزیره ای غیرقابل سکونت است که در فاصله هشت مایلی از جنوب غربی تنب بزرگ واقع شده است و به عنوان یک خط ارتباطی بعد از تنب بزرگ در درجه دوم قرار دارد. جزیره ابوموسی در غربی ترین نقطه جزایر شش گانه (هرمز، قشم، لارک، هنگام، تنب بزرگ، ابوموسی) قرار دارد و آخرین نقطه از خط منحنی استراتژیک مفروض ایران مقابل دروازه ورودی تنگه هرمز را تشکیل می دهد. جزیره ابوموسی به دلیل ذخایر اکسید آهن قرمز معروفیت دارد و نفت ابوموسی از حوزه ای به نام میدان مبارک تولید می شود که دارای بهترین کیفیت تولیدی در خلیج فارس است. تنگه هرمز نیز با توجه به موقعیت استراتژیکی خود می تواند در معادلات امنیتی مورد توجه بسیار قرار گیرد.

همچنین باید این واقعیت را در نظر گرفت که در حال حاضر بیش از ۶۰ درصد نفت منطقه از خلیج فارس و تنگه هرمز صادر می شود، این واقعیتی است که بیش از نیمی از خلیج فارس به ایران تعلق دارد و اکثر نقاط حساس و استراتژیک منطقه در حال حاضر تقریباً در کنترل ایران می باشد. به همین دلیل مستثنی کردن ایران از سیستم امنیتی منطقه گامی در جهت بی ثباتی در خلیج فارس خواهد بود و توافقی که با حضور ایران به عنوان یک شریک اصلی انجام نگیرد تنها به کار کمتر از نیمی از خلیج فارس می آید.

همچنین کشور ایران با قرار گرفتن در جنوب غربی آسیا، دارای یک موقعیت ممتاز ژئواستراتژیک برای تأمین انرژی دیگر کشورها، به طور شاخصی در کانون توجه جهانی قرار گرفته و نقش ویژه ای به ظرفیت موجود ایران جهت تأمین انرژی کشورهای مختلف بخشیده است. ایران به دلیل برخورداری از پتانسیل هایی از قبیل موقعیت ممتاز ژئوپلیتیک، منابع فراوان گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای یک جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز کشورهای آسیایی در مقایسه با دیگر کشورهای رقیب یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه است. که با استفاده از این متغیرها می تواند تبدیل به قدرت برتر منطقه ای شود. از سویی دیگر ایران با توجه به موقعیت ترانزیتی خود که ناشی از برتری های ژئوپلیتیک، یعنی قرارگیری در چهارراه بین المللی، حائز اهمیت است. این چهارراه، آسیا را به آفریقا و آسیا را به اروپا متصل می کند. افزون بر این ایران با آب های آزاد مرتبط است و دارای موقعیتی است که دسترسی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را به آب های آزاد میسر می کند و قادر است در مقولاتی مانند

سوآپ با انتقال نفت و گاز، سوخت تولیدکنندگان آسیای مرکزی برای کشورهای نظیر افغانستان و پاکستان نقش مهمی را بر عهده گیرد.

جایگاه ایران از منظر ژئو دکترین ها

ایران از نظر هیدرودکترین به «هارت سی» یا قلب حیاتی دریای جهانی تبدیل شده است. هارت سی جهان از بدو جنگ جهانی دوم در منطقه عمومی غرب اقیانوس اطلس شمالی شکل گرفت. دلیل آن هم تردد گسترده ناوگان تجاری آمریکا و اروپا در این منطقه، میان اروپای غربی و سواحل شرقی آمریکا و کانادا بود. اروپای سال ۱۹۴۵ که شاهد تسلیم آلمان هیتلری بود، با ویرانی عظیم حاصل از جنگ جهانی دوم و مشکلات آن درگیر شد، لذا به مدت ربع قرن نیازمند کمک های آمریکا از طریق اقیانوس اطلس بود. در یک منطقه ی مثلثی شکل در غرب اقیانوس اطلس شمالی، یعنی از دریای ساراگاسو تا جزیره ی برمودا، و در نهایت دریای کارائیب، منطقه ای تحت عنوان «هارت سی» جهان شکل گرفت. پس از پایان جنگ سرد در سال ۱۹۹۰ از اهمیت و حساسیت دریای ساراگاسو به عنوان «هارت سی» جهان کاسته شد و به مرور نقش خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای مکران (که عمان خوانده می شود)، دریای کوروش (که دریای عربی خوانده می شود) و دریای قزوین (که خزر نامیده می شود)، در جهان برجسته شد. از آن جا که این آب ها در جوار ایران و بخش های عمده ی آن، متعلق به ایران هستند و تحت نفوذ جمهوری اسلامی می باشند، لذا «هارت سی» از اقیانوس اطلس شمالی به سواحل جنوبی و شمالی ایران منتقل شد. پنجاه سال قبل، فاصله ی میان قلب حیاتی سرزمین جهانی با قلب حیاتی دریای جهانی بیش از ۱۰ هزار کیلومتر بود، اما اکنون این دو در یک نقطه بر هم منطبق شده اند، در ایران، بدین معنا که امروز جمهوری اسلامی ایران هم زمان هم قلب حیاتی سرزمین جهانی، است و هم قلب حیاتی دریای جهانی، و حداقل تا پنجاه سال آینده این موقعیت برای ایران باقی خواهد ماند.

همچنین در حال حاضر ایران از نظر ژئودکترین، به «هارتلند» یا قلب حیاتی سرزمین جهانی تبدیل شده است. در سطح کره زمین، بخش محدودی به خشکی ها اختصاص دارد. در میان خشکی های کره زمین، قطعه ی بزرگ و یکپارچه ی آسیا - اروپا، به عنوان جزیره اصلی کره زمین مطرح است که به جزیره جهانی معروف است. یک صد سال قبل، هلفورد مکیندر قلب جزیره ی جهانی را منطقه آسیای مرکزی معرفی کرد که شامل قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، بخش هایی از شمال افغانستان و شمال خراسان ایران، و بخش هایی از روسیه می شود. فرض مکیندر این بود که هرکس بر این هارتلند یا قلب حیاتی سرزمین جهانی حکومت کند، بر جهان حکومت خواهد کرد.

ایران در کانون منطقه ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهانی نقشی حیاتی ایفا می کند. به طوری که از نظر کارکرد بسان قلب جهان عمل می کند. ایران در کانون ذخایر انرژی هیدروکربنی و فسیلی جهان قرار دارد. و در بهترین منطقه جهان از لحاظ ژئوانرژی قرار گرفته است. به طوری که ۶۷ درصد ذخایر نفتی و ۶۰ درصد ذخایر گازی جهان در منطقه ای معروف به بیضی انرژی هیدروکربنی نهفته است و ایران در کانون این منطقه قرار دارد. جفری کمپ متأثر از نظریه هارتلند مکیندر، از بیضی انرژی جهان یا هارتلند ژئوپلیتیک یاد می کند. مضافاً اینکه این سرزمین قلب، محل اتصال قاره های آسیا، اروپا و آفریقا می باشد. به عبارتی از نظر جغرافیایی نیز می توان آن را منطقه ای مرکزی و کانونی برای خشکی های جهان به حساب آورد. سه حوزه بزرگ ذخایر گازی جهان یعنی خلیج فارس، سیبری غربی و آسیای مرکزی، در یک محدوده بیضی شکل، ۷۰/۲ درصد گاز دنیا را در خود جای داده اند. که از آن تحت عنوان «بیضی استراتژیک ذخایر جهانی»، یاد می شود. این ذخایر عظیم گازی در میان دو بازار بزرگ مصرف اتحادیه اروپا و جنوب شرقی آسیا قرار گرفته است. ایران با توجه به این قابلیت های ژئوآکونومیکی خود و با توجه به موقعیت خاص ژئوپلیتیکی و همچنین منابع انرژی فراوانش و قرار گرفتن در مرکز این بیضی می توان پاسخگوی نیاز کشورها باشد. آنچه مسلم است اینکه در

دهه های آتی در ژئوپلیتیک گاز، ایران نقش تعیین کننده و کلیدی را بر عهده خواهد داشت و منابع گاز ایران می تواند نقش راهبردی داشته باشد.

همچنین در آخرین تئوری که در سال ۱۹۹۵ توسط ادوارد جرجیان مطرح شد، ایران در منطقه ای که آن را « هلال بحران » می نامد، قرار گرفته است. جرجیان، ایران را در زمره کشورهای قرار می دهد که ادعای جهانی شدن اعتقاداتش را داشته و جهان را تشنه اجرای عدالت که با برقراری حکومت اسلامی و نظام ولایت فقیه تحقق می یابد، می داند. علاوه بر این هم اکنون ژئوپلیتیسین های غربی با عنوان کردن « هلال شیعی » ایران را قدرتمندترین کشور در این هلال می دانند که رهبری و هدایت کشورهای که در این هلال قرار گرفته اند را عهده دار است.

با بررسی روند تحول و نگرش ژئوپلیتیسین ها و بررسی افکار ژئوپلیتیکی آن ها می توان دریافت که ایران از یک جایگاه حاشیه ای در زمان اولین ژئوپلیتیسین (مکیندر)، به جایگاه محوری در نظریات ادوارد جرجیان در آخرین نظریات ژئوپلیتیکی جهان نقل مکان کرده و این چرخش ژئوپلیتیکی بیانگر آن است که ایران از دید دانشمندان علم ژئوپلیتیک از موقعیت مهم تری برخوردار شده است.

جایگاه ایران در جهان اسلام

از نظر فرهنگی و اعتقادی، ایران در مرکزیت جهان اسلام قرار گرفته است. به طوری که در روند تحولات آینده جهان، می تواند با بعضی از کشورهای منطقه نقش ارزنده ای را ایفا نماید. گستردگی تمدن ایرانی- اسلامی و فرهنگ پارسی و میراث گران بهای آن و گذشته تاریخی درخشان این سرزمین، پیوند عمیق فرهنگی، فکری و جغرافیایی با کشورهای جنوبی خلیج فارس، پاکستان و کشورهای همسایه غربی یعنی عراق و ترکیه تا شاخ آفریقا، منطقه ای استراتژیک را به وجود آورده که نشان دهنده امکانات بالقوه و بالفعل ایران برای گسترش همکاری های دوجانبه و چندجانبه منطقه ای و جهانی می باشد. برخورداری از تاریخ و تمدن کهن، با غنای فرهنگ اسلامی و دینی و وجود آثار تاریخی مناسب در کشور ایران و قابلیت صدور کالاهای فرهنگی و دینی به فراسوی مرزها در جهان اسلام، به جمهوری اسلامی ایران جایگاه ویژه ای جهت نفوذ فرهنگی- تمدنی در جهان اسلام می بخشد.

ایران به عنوان کشوری قدرتمند در مرکز جهان اسلام با داشتن بار ایدئولوژیکی اسلامی می تواند انسجام معنوی و مذهبی را در بین امت مسلمان به وجود آورد و به صورت الگویی خاص در منطقه خاورمیانه درآید. با توجه به اینکه ایران در مرکز فضایی جهان اسلام واقع است می توان برای آن دورنمایی از روند تاریخی مهم و حساس را ترسیم کرد و به آن دید پراگماتیسمی - عملگرایی داشت. چرا که بعد از انقلاب اسلامی ایران و تحول در ساختار حاکمیت این کشور در چشم انداز خاصی از جهان اسلام قرار گرفت به طوری که برخی از پژوهشگران مسلمان مفهوم ام القری را برای جمهوری اسلامی ایران به کار می برند. همچنین ایران به عنوان نماد کشوری مسلمان، توانسته پس از پیروزی انقلاب اسلامی خود را به عنوان یکی از کشورهای قدرتمند جهان اسلامی معرفی کند و خود را به ام القریایی سیاسی جهان اسلام نزدیک کند.

مواضع ایران در سازمان های بین المللی

جمهوری اسلامی ایران طی سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال های مختلف موضع گیری های متفاوتی در قبال سازمان های بین المللی مربوط داشته است. این ارتباطات در ادوار مختلف رویه های متفاوتی پیش گرفته اند. سازمان های بین المللی همانند سازمان ملل اوپک، اکو، کنفرانس اسلامی، جنبش عدم تعهد، سازمان بین المللی انرژی اتمی و سازمان بین المللی کار و دیگر سازمان ها ارگان های بین المللی هستند که در این سه دهه و اندی ایران با آن ها تعامل داشته است.

نتیجه گیری:

از آنچه گفته شد چنین بر می آید که عصر جدید سامانه اقتصاد محور، بر مبنای ترتیبات سیاسی و با هدف کسب برتری های اقتصادی شریان های حیاتی اقتصادی و تمرکز ویژه ای، حداقل در حوزه جغرافیایی خاورمیانه، بر روی انرژی است. از این رو اهمیت و نقش کشورها وابسته به برتری های اقتصادی آن ها است که موقعیت جغرافیایی آن ها نیز در این میان بسیار حائز اهمیت است. نکته مهم این است که علی رغم نظر صاحب نظران که اعتقاد داشتند با از بین رفتن نظام دو قطبی، اهمیت ژئوپلیتیکی ایران کاهش خواهد یافت و امتیاز همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی به عنوان کانون قدرت بلوک شرق را از دست خواهد داد اما به لحاظ داشتن موقعیت استراتژیک و قرارگیری بین دو کانون انرژی (بعد از فروپاشی شوروی و اعلام دریای خزر به عنوان منبع انرژی جدید) بار دیگر اهمیت ژئوپلیتیکی ایران البته در رقابتی دیگر نمایان گردید. درمقایسه با دیگر بازیگران منطقه ای ایران از نظر قدرت جامع ملی (جمعیت، تکنولوژی، نفت، توانمندی نظامی مستقل، زیرساخت های اقتصادی و نفوذ سیاسی- فرهنگی منطقه ای) از موقعیت بهتری برخوردار است. این توانمندی ها بر بازیگری بار می شود که سابقه تاریخی ایفای نقش برتر در منطقه در دوره قبل و بعد از اسلام را نیز با خود به همراه دارد. به همین دلیل دیگر بازیگران منطقه ای و بین المللی طی سه دهه گذشته تلاش کرده اند تا با ایجاد اتحاد و ائتلاف میان بازیگران منطقه ای و بین المللی وزنه تعادلی در برابر آن ایجاد نمایند. به هر تقدیر ظهور ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای بیش از پیش امکان پذیر شده است. ایران نسبت به کشورهای عربی و اسلامی قاره آسیا به دلیل برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیکی و سوق الجیشی مهم، از جایگاه مهم و بی همتایی در میان کشورهای جهان برخوردار است.

(منابع در دفتر ماهنامه موجود میباشد)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی